

STRAYKIDS_SAM



**INTELLECT
AND
EMOTION**

INTELLECT AND EMOTION

Couple:ChanMin,MinSung, ChangIn,HyunLix

Genre:Action, Criminal, Smut

Part:20

Writer:Lee

Channel:STRAYKIDS_SAM

از آخرین باری که چانو دیده بود دو هفته میگذشت توی این مدت به حرف چان همه به سر کار های خودشون برگشته بود و خود چان همراه با هیونجین و مینهو به خارج از کشور رفته بود زمانی که اونها نبودن پلیس ها به صورت مخفیانه به شرکت و عمارت رفته بودن ولی به دلیل نبود هیچ مدرکی دست خالی برگشته بودن ، هان هم پیش فلیکس زندگی میکرد و تحت مراقبت چند دکتر به دستور مینهو بود و همین امر باعث شده بود برای بستن دهن سرهنگ بگن همه ی مدرکا دست هان بوده و الان فراموشی گرفته و هرچی مدرک بوده رو از دست دادن با اینکه اون پیر حرفشونو باور نکرده بود ولی خب تا الان ساکت مونده بود...

جونگین: چی توی اون صفحه مانیتوره که یه ساعته اینقدر با دقت بهش خیره شدی؟

سونگمین: چی.. ها؟ اها هیچی دارم دنبال یه پوشه میگردم

جونگین: تنها تو نیستی فلیکس هم اینطوریه یعنی رفتن دوست پسراتون همینقدر اسکولتون کرده؟

- هی افسر یانگ مواظب حرف زدنت باش تو اداره ی پلیسیم

+ ببخشید کمیسر ولی چند بار صدات زدم جواب ندادی میخواستم این پرونده رو ببینی

- پرونده ی چیه؟

+ جدید به دستمون رسیده کنار جنگل جنازه ی دانش آموزیو پیدا کردن همونطورم تو صفحه ی اول نوشته آرا کیم هیجده سالشه و احتمال میدن که یکی از قصد این کارو کرده باشه

نگاهی به پرونده ی جلوی دستش کرد به لیست شاهد ها نگاه کرد این همه شاهد یکم عجیب به نظر میرسید

سونگمین: این همه شاهد دیدن که چطوری مرده؟

جونگین: اره همکلاسی هاش بودن که همگی گفتن رفتن بیرون و از کنارشون گم شده و بعد که گشتن اینجوری پیداش کردن

- یعنی بین این همه آدم کسی گم شدنشو نفهمیده عجیبه..

چانگبین: نظر منم همینه مطمئنن بین اون کلاس سی نفره یکی میفمید

که یکیشون کم نیست ولی انگار همگی دست به یکی کردن که گم بشه

جونگین: یعنی میگی قتل عمدی بوده؟

چانگبین: اره ممکنه عمدی بوده باشه وگرنه این همه شاهد که یه حرفو
بزمن بدون هیچ کلمه کم و اضافه ای نرمال نیست

- حق با افسر چانگبینه منم الان که شهادتشون رو دیدم بیشتر مشکوک
شدم

فلیکس: بچه ها من یه چیزی پیدا کردم!

جونگین: چی؟

+ از همسایه ها و خانوادش پرسیدم مثل اینکه این چند مدت وقتی خونه
برمیگشته ناراحت بوده و چندبار همسایه ها دیدنش که لباساش یا پاره
بودن یا گلی بودن وقتی به خونه برگشته و اینم فیلمی از همون روزاس
که ازدوربین مداربسته های مغازه ی اطراف گرفتم

چانگبین: ممکنه قلدری باشه

جونگین: ممکنه قلدری باشه...

باهم گفتن وقتی به هم نگاه کردن جونگین خنده ای کرد و مشتی به بازوی چانگبین کوبید

جونگین: یا چانگبینا!

چانگبین: کاش اداره نبودیم وگرنه بین بازو هام میچلوندمت

+ خفه میشم که اینطوری

سونگمین: اگه قراره چرتو پرت بگین گمشین بیرون

چانگبین: ببخشید کمیسر کجا بودیم

فلیکس درحالی که به چننش ترین حالت به اون دو نفر نگاه میکرد دوباره سرشو به سمت لپتابش برگردوند و مشغول نشون دادن فیلم های بیشتر شد

سونگمین: من به نتیجه ای رسیدم... تنها راه حل اینه خودمونو دانش
آموز کنیم و اینجوری بفهمیم چی به چیه

فلیکس: چیبی کیم سونگمین دیونه شدی میخوای به عنوان یه دبیرستانی
بری؟

- کی گفته خودم تنها میرم؟ تو و جونگینم میرم

جونگین: چیبی

فلیکس: چیبی

- تازه شما بیبی فیس تر از منید ولی چون یه کاریو مثل آدم بلد نیستین
انجام بدین خودمم باهاتون میام

جونگین: یاا کیم سونگمین عمرا من بیام بمیرمم بر نمیگردم دوران
دبیرستان بدون من برین من نمیام

فلیکس: مگه تو چشت سیاهه بدون تو بریم جونگین نیاد منم نمیام
سونگمین

دوباره سرش درد گرفت امروز به لطف اون سه تا هرچی مغز داشت
رو از دست داده بود و سرش با وجود خوردن دوتا قرص هنوزم درد
میکرد

سونگمین: بسه خفه شید دو دقیقه زرمو بزnm..

صداش به قدری بلند بود کسایی که بیرون اتاق جلسه بودن هم شوکه
شدن...

چانگبین: باشه کیم سونگمین آروم باش..

سونگمین: من نمیفهمم چطور اصلا قبولتون کردن افسر قسمت جرم و
جنایتو اینا بشین ولی الان تنها راه فهمیدن واقعیت اینه میفهمید یا نه؟

چانگبین: ولی حس نمیکنی خطرناکه؟

- کجاش خطرناکه ؟ ما وارد باندی شدیم که هر لحظه ممکن بود
جونمونو از دست بدیم الان به این میگی خطرناک؟

فلیکس: من مشکلی ندارم تازه فیسمم خیلی به دبیرستانیا میخوره

جونگین: باشه ولی چطوری مدیرشونو راضی کنیم شنیدم خیلی گند
اخلاقه

سونگمین: اونو به من بسپرین نیاز داشتم اعصاب خوردی این دو هفته
مو رو یکی خالی کنم...

.
.
.

دوشنبه اولین روز هفته:

جونگین: یااااا کیم سونگمین الان دقیقا شبیه دبیرستانیا شدی باورم نمیشه
ازون موقع تا الان هیچ تغییری نکردی

فلیکس: خودتو ندیدی کوچولو شدی شبیه راهنماییایی

جونگین: هی افسر لی قیافم از تو که بزرگتر نشون میده خودتو ندیدی..

با بستن کراوات دور گردن سونگمین دوباره کمی عقب رفت تا چکش
کنه

هان: الان درست شد ... دعوا نکنین همتون با این لباسا کوچولو شدین
الان حس میکنم باباتونم

فلیکس: ددی هانی

جونگین: چی ددی چیه این بیبی هم بهش نمیخوره چه برسه به ددی

هان: فوت فوت چشم حسودا کور

چانگبین: بچه ها بیاین یه چی بخورین قبل اینکه.... وای چه شبیه بچه
دبیرستانیا شدین

جونگین: خوشگل شدم؟

چانگبین: معلومه تو با هر استایلی خفن و خوشگلی

جونگین نگاهی دوباره به آینه کرد وبعد به سمت دوست پسرش رفت و
بوسه ای رو لباس کاشت

سونگمین: بازم گفتار های عاشق

فلیکس: دلم برای کله کیویم تنگ شده...

هان: من با اینکه با مینهو قهرم ولی دلم برایش تنگ شده

سونگمین: ایه کم چسناله کنین سرم درد میکنه

هان: یعنی تو دلت برای چان تنگ نشده؟

سونگمین: چرا شده ولی الان وقت اینا نیست چون مدرسه نیم ساعت
دیگه شروع میشه و ما هنوز اینجا وایسادیم

جونگین: چایی من هنوز نمیدونم کدوم کیفو بردارم وای کمک

بعد از نزدیک یک ربع کیف انتخاب کردن جونگین بالاخره به جلوی
در دبیرستان رسیدن

جونگین: باورم نمیشه اتفاقی که تو عمرم فکر نمیکردم رخ بده بازم
داره رخ میده

فلیکس: چرا اینقدر از مدرسه متنفری؟

+ چونکه یک بچه ی خرخون بودم..

سونگمین: خوشحال باش درس نمیخونی دیگه فقط عشقو حال

+ عایی ولم کنم کیم سونگمین الان من باید تو تختم میبودم نه اینجا
جلوی مدرسه

فلیکس: رفیق شانس نداری چون اگه اینجا نبودى الان باید اداره میبودى

+ هییی خوش به حال هان جیسونگ به بهانه ی مریضی که نداره تا
لنگ ظهر میخوابه

سونگمین: تو کلاس بگیر بخواب بریم تا درو نبستن همین الانشم به
اندازه ی کافی دیر کردیم

بعد از صحبت های پر از تیکه انداختن سونگمین و مدیر مدرسه
بالاخره یکی از معلما اومد و اونارو با خودش به سمت کلاسی که قبلا
آرا درس میخوند برد خوشبختانه هر سه توی یه کلاس بودن و نیاز نبود

که زیاد نگران حال هم دیگه باشن ، همینجوری که پشت سر معلم داشتن
راه میرفتن به سمتشون برگشت و شروع به سوال پرسیدن کرد

شما باهم برادرین؟

سونگمین: اره یه جورایی میشه گفت

ولی فامیلتون فرق میکنه

- مگه برادر بودن به فامیله؟

فلیکس: سونگمین اداره نیست مراقبت حرفات باش...

درست میگی این کلاسه وقتی که صداتون زدم بیاین

بعد از بالا پایین شدن سر هر سه تا وارد کلاس شد

جونگین: حالا کی اول خودشو معرفی میکنه؟

فلیکس: منکه روم نمیشه درم باز کنم چه برسه به اینکه اول نفر خودمو
معرفی کنم

سونگمین: فکر میکردم من استرس گرفتم انگار شما دوتا از منم بدترین

جونگین: اخه خیلی حس بدیه واقعا من الان چطور ...

با شنیدن صدای معلم حرفشو قطع کرد و پشت سونگمین قایم شد ،
سونگمین نفس عمیقی کشید درو باز کرد و اولین نفر وارد شد بقیه هم
پشت سرش وارد شدن بعد از اینکه خودشونو معرفی کردن هر کدوم در
جای مخصوصشون نشستند ، جونگین و فلیکس بغل هم نشسته بودن و
سونگمین ردیف جلو کنار یکی از دانش آموزا نشسته بود ، از همون
اولی که نشسته بودن سونگمین حس میکرد که بغل دستیش میخواد یه
چیزی بهش بگه ولی نمیتونه نگاهی به سرتاپاش کرد و دوباره به روبه
روش خیره شد.

جونگین: فلیکس تو چیزی میفهمی؟

فلیکس: اصلا نمیدونم داره چه کتابیو توضیح میده

جونگین: ادبیات کره ای

فلیکس: ولی ادبیات کره ای چرا دوره ی چوسان توشه؟

جونگین: شاید درسش درمورد اونه

سونگمین در حالی به ایرپاد داخل گوشش به بحث اون دو نفر گوش میداد سری از روی تاسف تکون داد و بعد از مطمئن بودن اینکه بغل دستیش صداشو نمیشنوه جواب اون دوتارو داد

فلیکس: فکر میکنم کتابا تغییر کرده باش..

سونگمین: باهوشا تاریخه نه ادبیات

جونگین: عه تاریخ مگه کتاب داشت؟

فلیکس: بخواب مغز منم بهم زدی

جونگین: ولییی

+ بخواب یانگ جونگین..

تمام سعیشو کرد جلوی خنده شو بگیره واقعا بعضی مواقع از ته دل خوشحال بود رفیقایی مثل اونا داره و تو هر موقعیتی میخندوننش ، قبل

اینکه به سمت نوشته های تخته وایتبرد برگرده چشمش به یکی از
ردیف جلوییا افتاد که بهش خیره شده بود ولی زیاد بهش توجهی نکرد و
دوباره به درسه گوش داد

بعد از زنگ خوردن هرسه به سمت بوفه رفتن

جونگین: مدرسه مزخرفه

فلیکس: قبول دارم بلد نبود درست توضیح بده درسو

سونگمین: خودت اسکولی نمیدونی چه کتابیه ننداز گردن معلم

+ هیی کیم سونگمین اینجا اداره نیست پا میشم چپتو راست میکنما

جونگین: یاواش پادشاه بزرگ خاجه اشتباه کرد به خاطر من ببخشش

+ چشم ملکه ی عزیزم فقط به خاطر شما

- یا من کجام ملکه س

+ همه جات

- قیافه ی خودتو ندیدی با این موهات کپی شاهزاده خانومایی

+ همین الان دستور میدم تورا اعدام کنن

سونگمین: تا شما همو جر و پاره میکنین من برم گوشیمو از تو کیفم
بیارم یادم رفت

جونگین: میشه تو کیف منم رمانمو بیاری؟

سونگمین: مفتی منو به گیر آوردی؟ باش

میخواست وارد کلاس بشه ولی با صدایی متوقف شد انگار داخل کلاس
دعوا بود صدای چند نفر میومدن

+ انگار که یکی جدید اومده بغلت نشسته خیلی احساس غرور میکنی
اره؟ وسیله هایی که ۸ بهت گفتیم رو بیار کجان؟

- نیاوردم اونا وسیله های مامانم بودن من نمیتونم بدزدم چیزی از
خونمون

+ پسره ی عوضی ... پس چرا اولش قبول کردی باید وقتی ازمون پول
میگرفتی به همین فکر میکردی باید توهم مثل اون دختره سرنگون کنم

- نه تورو خدا مطمئن باشین در نزدیک ترین زمان پولو بهتون...

با خوردن مشتی تو صورتش حرفش قطع شد و به زمین خورد

+ خفه شو عوضی میکشمت...

سونگمین: دارین چه غلطی میکنین؟

نگاهی به پسر جدید کلاس داد به قیافش نمیخورد آدمی فقیر باشه
میتونست ازش پول اخاذی بگیره مطمئنن چیز خوبی دستگیرش میشد

+ برو بچه خوشگل خودتو قاطی این بحثا نکن نمیخوام صورت
خوشگلت زخمی بشه

سونگمین: از ش فاصله بگیر

+ اوہ چی گفت نشنیدم بچہ ہا شما شنیدین؟ چی گفتی بیبی؟

ہمہ ی پسرایی کہ اطرافش بودن شروع بہ خندیدن کردن سونگمین
نگاہی بہ بیرون کرد ہمہ جمع شدہ بودن و چند نفر داشتن از شون فیلم
میگرفتن پس مدرک داشت

سونگمین: گفتم از ش فاصله بگیر تا اجزای صورتتو بہم نرختم

+ چچی شنیدین چی گفت این کوچولو میخواد منو بزنی بیا ببینم چیا
بلدی..

دستشو مشت کرد و بہ سمت صورت سونگمین حرکت داد ولی با جا
خالی دادن سونگمین مشتش بی هدف رو ہوا موند ، سونگمین با گرفتن
دست مشت شدہ ی پسر اونو چرخوند و جوری کہ بہ جنایتکارا دستبند
میزند روی زمین درازکشش کرد ، پسر زیرش از درد کمی بہ خودش
پیچید و نالہ ای بند کرد

سونگمین: بہ من گفتی کوچولو حالا ببین کی زیرہ این کوچولو یا
خودت؟

+ لعنتی تو کی؟

- بزار خودمو معرفی کنم فرشته ی مرگت کیم سونگمین

جونگین: یا برین اونور برین هییی سونگمین داری چیکار میکنی ولش کن

با تمام زور هر دو سونگمینو کشتن و به یه سمت دیگه بردنش

فلیکس: کیم سونگمین چته داشتی یارو رو میکشتی..

سونگمین: داشت حرف اضافه میزن چرا نداشتین بکشمش؟

جونگین: به خودت کنترل داشته باش ما برای کشتنش به اینجا نیومدیم مدرک میخوایم

سونگمین: من نمیتونم بیشتر اینجا باشم کی میریم خونه

فلیکس: راستش معلم نداریم و میتونیم الان بریم

سونگمین: من رفتم بیرون

فلیکس: منم باهاش میرم کیفامونو بیار جونگین

جونگین: حالا شدم خدمتکارشون ایییش

به سمت کلاس رفت و به اون چند نفری که دور پسر زخمی بودن با نگاه تهدید آمیزی خیره شد و بعد از برداشتن وسایلا از کلاس خارج شد

- هی اون پسر کی بود؟

+ نمیدونم ولی هرکی هستن قراره خوش بگذرونیم باهاشون...